

تغییر در مفاهیم دانش: نگاهی به ضرورت تکامل هستی‌شناسی‌ها

صنم ابراهیم‌زاده^{۱*}
ملوک السادات حسینی بهشتی^۲

مطالعات دانش‌شناسی

سال دوم، شماره ۷، تابستان ۹۵، ص ۹۷ تا ۱۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۵

چکیده

هدف این مقاله بررسی ضرورت کارآمدی هستی‌شناسی‌ها در برابر تغییرات در مفاهیم، در سازگاری با تغییرات مفاهیم دانش بوده است. به‌طور کلی، هستی‌شناسی‌ها نوعی از ابزارهای معنایی هستند که به دلیل کاستی‌های اصطلاح‌نامه‌ها در بازنمون دانش، قلمروهای موضوعی را از طریق نمایش مفهوم‌ها و رابطه‌های میان آن‌ها به کار گرفته‌اند. با توجه به تحولات مفاهیم و معنا، ضروری است در ساختار هستی‌شناسی‌ها بازنگری شود و تغییراتی برای سازمان‌دهی و بازنمون دانش در هستی‌شناسی‌ها تدوین و طراحی گردند. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است و اطلاعات آن از طریق مرور در کتاب‌ها، مقالات مجلات علمی، مقالات همایش‌های علمی، متون علمی نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعات و اینترنت جمع‌آوری گردیده است. سپس، مفاهیم و اصول تغییر در هستی‌شناسی‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای، نحوه بازنگری و سازگاری هستی‌شناسی‌ها را با تغییرات مفاهیم و معناها مورد توجه قرار داده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان تغییرات در هستی‌شناسی‌ها را با توجه به شش مرحله موجود در فرآیند تکامل هستی‌شناسی‌ها ارائه داد؛ که عبارت‌اند از: دریافت تغییرات، ارائه و بازنمون تغییرات، معناشناسی تغییرات، گسترش و اشاعه تغییرات، اجرای تغییرات و تغییر در ارزش‌ها. همچنین، بر اساس یافته‌های دیگر این پژوهش و در راستای یک معماری منطقی برای حمایت از تکامل هستی‌شناسی‌ها می‌توان تغییرات در هستی‌شناسی‌ها به‌طور کارآمدتر اعمال کرد. همچنین هستی‌شناسی برای مؤثر بودن، نیاز به تغییرات، با سرعتی متناسب با تغییر در بخش‌هایی از جهان می‌باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش، ضروری است که در زمان تغییر یک هستی‌شناسی به: ایجاد سلسله‌مراتب مفاهیم وابسته؛ نیازهای کاربران؛ تعیین علائق کاربران؛ انتخاب مناسب‌ترین ابزار و پیرایشگر در زمان طراحی هستی‌شناسی‌ها و تجزیه و تحلیل رفتار اطلاع‌یابی کاربران توجه شود. همچنین تلاش کاربران

۱. * دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء،

Sebrahimzadeh@alzahra.ac.ir

۲. عضو گروه پژوهشی زبان‌شناسی و اصطلاح‌شناسی، پژوهشگاه مدیریت دانش، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات

ایران، beheshti@irandoc.ac.ir

انسانی نظام‌های اطلاعاتی مانند کتابخانه‌های دیجیتال و پشتیبانی خودکار برای مدیریت تغییرات هستی‌شناسی بسیار مهم است؛ که باید در طراحی هستی‌شناسی‌ها توسط متخصصان مورد توجه قرار بگیرند.

واژگان کلیدی: هستی‌شناسی، دانش، بازنمون دانش

مقدمه

همگام با توسعه جهان دانش، نیاز به بازنگری در نظام‌های سازمان‌دهی این جهان، جدی‌تر شده است. اطلاعات را نمی‌توان به‌طور اثربخش بازیابی کرد مگر این‌که به‌درستی سازمان‌دهی شده باشد. نظریه‌های معرفت‌شناختی تأثیری بنیادین بر نظریه‌های رفتار اطلاع‌جویی، تحلیل موضوع، رده‌بندی و به‌طور کلی ذخیره و بازیابی اطلاعات دارند. باید پذیریم که بنیان‌ها و شالوده‌های فلسفه علم اطلاعات - هر چه که باشد - باید با دگرگونی وضعیت‌ها تغییر کنند. در نتیجه نیاز است تا کارکردها، هدف‌ها، مقاصد به‌ویژه در عرصه‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات را با جدیت مورد بازاندیشی قرار دهد (داور پناه، ۱۳۸۴). از این رو، به حضور هستی‌شناسی‌ها در حوزه بازیابی بیشتر توجه شده است. هستی‌شناسی به‌عنوان یک ابزار معنایی، عبارت است از دانش ساختاریافته در مورد یک قلمرو خاص که از طریق ارائه مفهوم‌ها و رابطه‌های دقیق میان آن‌ها شکل می‌گیرد (برنک^۱ و دیگران، ۲۰۰۵). اولین تعریف هستی‌شناسی دو قسمت عمده را در برمی‌گیرد. اول: توصیف و ارائه حوزه دانش. دوم: تعریف اصطلاحات و مفاهیم مشترک (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲).

همچنین هستی‌شناسی‌ها به‌منزله وسیله‌ای برای بازنمون دانش در نظام‌های ذخیره و بازیابی، معرفی می‌شود (ونگ^۲ و دیگران، ۲۰۰۶) و آن را مجموعه‌ای از مفاهیم، خصیصه‌ها و روابط میان مفاهیم تعریف کرده‌اند (هس و اشلیدر^۳، ۲۰۰۶). این تعریف در حوزه مدل‌سازی مفهومی، چندان جدید نیست. در مدل‌های موجودیت - رابطه^۴ که از دهه ۱۹۷۰ در پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده می‌شود و در مدل‌های گسترش‌یافته آن نیز چنین الگویی از مفاهیم، خصیصه‌ها و روابط قابل‌شناسایی است؛ اما دلیل این مقدار استقبال از

1. Brank
2. Weng
3. Hess & Schlieder
4. entity-relationship model

هستی‌شناسی‌ها در این نکته است که هستی‌شناسی‌ها، استنتاج هوشمند را ممکن می‌سازند (هس و اشلیدر، ۲۰۰۶). از این رو یکی از مهم‌ترین دلایل‌های طراحی هستی‌شناسی‌ها در قلمرو کتابداری و اطلاع‌رسانی، محدود بودن قابلیت‌های سرعنوان‌های موضوعی و اصطلاح‌نامه‌ها به عنوان ابزاری برای ذخیره و بازیابی دانش، در ارائه دقیق مفهوم‌ها و رابطه‌ها میان آن‌ها است. رابطه‌ها میان اصطلاح‌ها در اصطلاح‌نامه به سه نوع اصلی رابطه هم‌ارزی یا معادل، رابطه سلسله‌مراتبی و رابطه هم‌پسته محدود شده است که این امر به ایجاد ابهام در کاربرد این رابطه‌ها در میان مفهوم‌ها می‌انجامد (صنعت‌جو، ۱۳۸۴). همان‌طور که ذکر شد؛ به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین دلایل طراحی و به‌کارگیری هستی‌شناسی‌ها، محدود بودن قابلیت‌های سرعنوان‌های موضوعی و اصطلاح‌نامه‌ها در ارائه دقیق مفهوم‌ها و رابطه‌ها میان آن‌ها است در حالی که در طرف دیگر مقدار اطلاعات به‌طور مثال در کتابخانه‌های دیجیتال در حال افزایش است. متخصصین دانش به‌شدت به در دسترس بودن مخازن دانش موجود تکیه می‌کنند. همین مقدار زیاد اطلاعات نیاز به پشتیبانی پیچیده برای جستجو دارد البته باید در پشتیبانی‌ها، شخصی‌سازی کردن دانش نیز در نظر گرفته شود و این یک چالش است (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶).

در نتیجه می‌توان گفت که هستی‌شناسی و فن‌آوری ابر داده‌ها را می‌توان یک روش برای پرداختن به این چالش‌ها نامید. همان‌طور که ذکر شد هستی‌شناسی‌ها به شفاف‌سازی دانش کمک می‌کنند و تفسیر برخی از مدل‌های ماشینی را آسان‌تر و قابل‌پردازش‌تر می‌کنند. به‌طوری که استفاده از هستی‌شناسی چشم‌انداز بهبود در بازیابی اطلاعات را ارائه می‌دهد. از طرف دیگر، برای مؤثر بودن هستی‌شناسی‌ها نیاز است تا آن‌ها را با بخشی از جهان که در حال توصیف آن هستند و به‌سرعت در حال تغییر هستند، تطبیق دهیم. دو چالش عمده در تطبیق هستی‌شناسی وجود دارد. تکامل هستی‌شناسی باید هر دو تغییر علائق افراد و تغییر داده‌ها را منعکس کند (برای مثال در اسناد ذخیره شده در یک کتابخانه دیجیتال) (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه با توجه به تحقیقات صورت گرفته (المرشد و سینک، ۱۳۹۱؛ استوجانویچ، ۲۰۰۲) و تحولات دانش و علوم و همچنین مفاهیم موجود در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد که در ساختار هستی‌شناسی‌ها نیز بازنگری صورت گیرد و ابزارهایی برای بازنگری هستی‌شناسی‌ها طراحی گردد. به‌طوری که با بررسی پژوهش‌های مختلف می‌توان گفت تأکید بر استفاده مجدد از دانش‌ها و تغییرات

آن‌ها در ایجاد نظام‌ها، توسعه هستی‌شناسی‌ها را در عصر حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در نظام‌های اطلاعاتی مطرح ساخته است. از این‌رو توسط پژوهش‌المشرد؛ سینگ (۱۳۹۱) جهت رفع این چالش‌ها، معیاری برای ارزیابی ابزارهای تولید هستی‌شناسی ارائه شده است. از نظر آن‌ها انتخاب مناسب‌ترین ویرایشگر، چالشی را برای طراحی هستی‌شناسی ایجاد کرده است، زیرا طراحی و ساخت هر هستی‌شناسی مستلزم صرف بودجه، زمان و منابع خاص خود است. همچنین، تاکنون تحول و سازگاری هستی‌شناسی‌ها با تغییرات دانش موجود، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. از اندک پژوهش‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش، استوجانویچ^۱ و همکاران (۲۰۰۲) اشاره کرد. در پژوهش آن‌ها شش مرحله ممکن از فرآیند تکامل هستی‌شناسی بیان شده است.

کلین^۲ (۲۰۰۴) نیز مجموعه‌ای از اصطلاحات گسترده از عملیات تغییر در دو بعد را معرفی کرده است: اتمی در مقابل مرکب و ساده در مقابل غنی. اوچ^۳ و همکارانش (۲۰۱۵) نیز به بررسی تحول و تغییرات در هستی‌شناسی بیو پزشکی پرداختند و دریافتند که تغییرات تأثیر عمده‌ای بر روی هستی‌شناسی مورد مطالعه دارد.

از این‌رو، مسئله بنیادی در پژوهش حاضر این است که کارآمدی هستی‌شناسی در سازگاری با تغییرات مفاهیم دانش چگونه است؟ تلاش شده است که یک دیدگاه کلی در مورد چگونگی تحول هستی‌شناسی‌ها ارائه شود. در نتیجه در این پژوهش ابتدا ماهیت شناختی تکامل هستی‌شناسی‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و در مرحله بعد معماری منطقی این تحولات ارائه شده است.

ماهیت شناختی تکامل هستی‌شناسی‌ها. قبل از بحث در مورد نحوه تکامل هستی‌شناسی‌ها لازم است تا نحوه طراحی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرند. برای طراحی هستی‌شناسی‌ها چند روش ارائه شده است:

آشولد و گرونینگر^۴ (۱۹۹۶) برای طراحی هستی‌شناسی‌ها، روشی ۵ مرحله‌ای را به‌صورت زیر بیان کردند:

1. Stojanovic.
2. Klein
3. Ochs
4. Uschold & Gruninger

تعیین هدف و دامنه هستی‌شناسی؛ طراحی هستی‌شناسی در یک فرآیند سه مرحله‌ای شامل: گردآوری هستی‌شناسی (تعیین مفاهیم و روابط اصلی و ایجاد تعریف برای این مفاهیم و روابط)؛ کدگذاری هستی‌شناسی، به کار گرفتن واژه‌های اصلی برای هستی‌شناسی (رده، موجودیت، رابطه)؛ انتخاب یک زبان بازنمون؛ نوشتن کد؛ یکپارچه‌سازی هستی‌شناسی‌های موجود؛ ارزیابی هستی‌شناسی؛ مستندسازی؛ ارائه راهنماها و دستورالعمل‌هایی برای هر یک از مراحل قبل.

امروزه با توجه به روند رو به رشد استفاده از هستی‌شناسی‌ها در نظام‌های اطلاعاتی، ساخت هستی‌شناسی‌ها، روش‌شناسی ساخت، ابزارهای ساخت، ساخت خودکار و یادگیری هستی‌شناسی‌ها، از مباحث مطرح در میان محققان است. به طوری که ونگ (۲۰۰۶) در پژوهش خود رویکردهای متنوعی در ساخت، توسعه و روزآمدسازی هستی‌شناسی‌ها را بررسی کرده است. شمس فرد، عبدالله زاده بارفروش (۱۳۸۱) در پژوهش خود ساخت دستی هستی‌شناسی‌ها، برای قلمروها و کاربردهای مختلف را مورد بررسی قرار داده و دریافته که ساخت دستی هستی‌شناسی‌ها پرهزینه، وقت‌گیر و مستعد خطاست و هستی‌شناسی‌هایی که به صورت دستی ساخته می‌شوند، معمولاً گران، متمایل به نظرهای شخصی طراح، انعطاف‌ناپذیر در مقابل تغییرات و دقیقاً خاص منظوری هستند که برای آن تهیه شده‌اند. در پژوهشی دیگر آقابک، آیدین، اوزمل و آکسوی^۱ (۲۰۰۶) دریافته‌اند که ساخت هستی‌شناسی‌ها بیشتر به صورت نیمه خودکار صورت می‌پذیرد. با وجود این، در زمینه خودکارسازی کامل فرایند مهندسی هستی‌شناسی‌ها نیز پژوهش‌هایی هرچند کم صورت گرفته است.

میکا^۲ نیز (۲۰۰۶) به بررسی و دسته‌بندی معماری‌های متنوعی در طراحی و اجرای هستی‌شناسی‌ها پرداخت. از نظر او این معماری‌ها در سه دسته قابل بررسی‌اند هستی‌شناسی واحد: وقتی که تمام افراد سازمان به تفاهم بر هستی‌شناسی واحدی می‌رسند. این معماری تنها در موارد بسیار کم مؤثر خواهد بود. نقطه قوت این نوع معماری آن است که به هیچ‌گونه ترسیمی نیاز نیست. هستی‌شناسی‌های محلی: در این نوع معماری، گروه‌هایی از افراد سازمان فعال در حوزه‌ای خاص از هستی‌شناسی محلی استفاده می‌کنند.

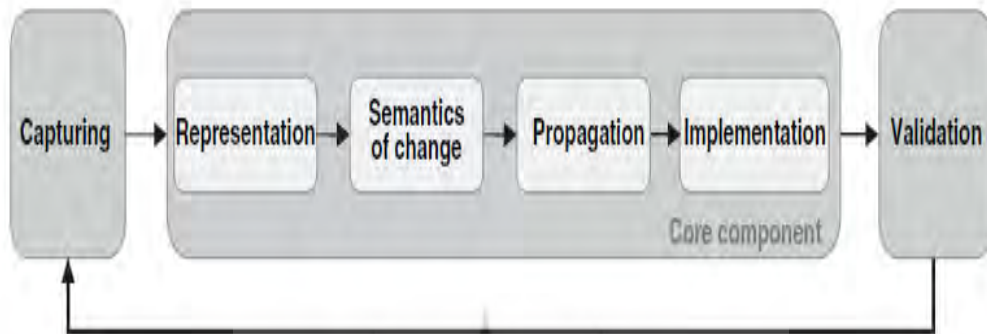
هستی شناسی های فردی زمانی که یک فرد در سازمان از هستی شناسی منحصر به فرد خود استفاده کند، با این روش، استفاده از ترسیم ها با وسعت بیشتری صورت می پذیرد. همچنین روش های طراحی هستی شناسی ها را به گونه ای دیگر به سه دسته تقسیم کرده اند: ساخت دستی: در این روش، حجم عظیمی از دانش مفهومی به وسیله افراد در ماشین کد گذاری می شود و پایگاه های دانش بزرگ عمومی یا تخصصی ایجاد می گردند Cyc نمونه ای از هستی شناسی ساخته شده با این روش است. هدف پروژه Cyc، ایجاد یک پایگاه دانش بزرگ شامل مخزنی از دانش زمینه ای رسمی برای وظایف و فعالیت های استدلالی و حل مسئله در حوزه های گوناگون است. استفاده از ابزارهای مهندسی هستی شناسی: در سال های اخیر ابزارهایی برای پشتیبانی ساخت هستی شناسی ایجاد شده اند آن ها با فراهم کردن واسط کاربر مناسب، محیط را برای اکتساب دانش مفهومی و تعریف مفاهیم، نمونه ها، ویژگی ها، روابط و محدودیت های مفاهیم فراهم می کنند و داده ها و ساختارهای لازم برای ساخت هستی شناسی را از منابع ورودی استخراج می کنند و در اختیار سازنده هستی شناسی (انسان یا ماشین) قرار می دهند. ساخت (نیمه) خودکار و استفاده از روش های اکتساب دانش: به این منظور دو راهکار پیشنهاد شده است: یکپارچه سازی و استفاده مجدد از هستی شناسی های موجود؛ یادگیری و ساخت خودکار هستی شناسی ها از روی منابع موجود. (شمس فرد و عبدالله زاده بارفروش، ۲۰۰۲).

همان طور که اشاره شد بعد از طراحی هستی شناسی ها و با توجه به تغییرات گسترده و دائمی علوم و دانش موجود در آن ها نیاز است که این هستی شناسی های طراحی شده فارغ از نوع طراحی آن ها مورد بررسی و تغییر قرار گیرند. از این تغییرات به عنوان تکامل و تحول در هستی شناسی ها یاد می شود. تکاملی که باعث می شود هستی شناسی همچون موجود زنده به حیات خود ادامه دهد. استوجانویچ و همکارانش (۲۰۰۲)، شش مرحله ممکن از فرآیند تکامل هستی شناسی ها همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، شناسایی کرده اند. این مراحل عبارت اند از: دریافت تغییرات^۱، ارائه و بازنمون تغییرات^۲،

1. change capturing
2. change representation

تغییر در مفاهیم دانش: نگاهی به ضرورت تکامل هستی...

معناشناسی تغییرات^۱، گسترش و اشاعه تغییرات^۲، اجرای تغییرات^۳ و تغییر در ارزش‌ها (اعتبار سنجی)^۴.



شکل ۱. مراحل فرآیند تکامل در هستی‌شناسی‌ها (استوگانویچ و همکارانش، ۲۰۰۲)

دریافت تغییرات: روند تکامل هستی‌شناسی با دریافت تغییرات شروع می‌شود. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، الزام در وضوح مفاهیم باعث ایجاد تغییرات در الگوهای موجود در داده‌ها و استفاده از هستی‌شناسی‌ها می‌شود. در شکل ۱ انواع مختلف تغییر ارائه شده است:

- تغییرات استفاده محور از الگوهای استفاده که بیش از یک دوره زمانی ایجاد شده‌اند ناشی می‌شود. هنگامی که هستی‌شناسی به سطح خاصی از اندازه و پیچیدگی می‌رسد. تصمیم‌گیری در این مورد که کدام بخش مربوطه باقی بماند و کدام از رده خارج شود کار بزرگی برای مهندسين هستی‌شناسی است. الگوهای استفاده از هستی‌شناسی و ابرداده این امکان را فراهم می‌آورد که بتوانیم قطعاتی را که کمتر و بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند تشخیص دهیم. در نتیجه می‌توان منافع کاربران در بخش‌هایی از هستی‌شناسی را منعکس کرد. البته این خود می‌تواند ناشی از پرس‌وجو و مرور رفتار کاربران در طول برنامه از هستی‌شناسی باشد (استوگانویچ، ۲۰۰۴).

1. semantics of change
2. change propagation
3. changeImplementation
4. change validation

• تغییرات داده محور را به عنوان مشکل استخراج تغییرات هستی شناختی از هستی شناسی ها با استفاده از روش هایی مانند داده کاوی، تحلیل مفهوم رسمی و یا فن آوری هوشمند تعریف می کند. یافتن تغییرات داده محور بر اساس این فرض استوار است که نوعی هستی شناسی است که اغلب به منظور انعکاس دانش به طور ضمنی که توسط تعدادی از اسناد و یا یک پایگاه داده ارائه و ساخته شده است تعریف می شود؛ بنابراین، در هر گونه تغییر در زمینه داده ها، مثلاً یک سند که به تازگی اضافه شده و یا تغییر ورودی به پایگاه داده و غیره به روزرسانی از هستی شناسی ها ضرورت می یابد. یافتن و دریافت تغییرات داده محور را می توان به عنوان وظیفه هدایت تغییرات هستی شناسی ها نیز تعریف کرد (استو جانویچ، ۲۰۰۴).

نمایش و بازنمون تغییرات: تغییرات، باید شناسایی شده و در فرمت مناسب ارائه گردد. به این معنی که نیاز به نمایش در آوردن تغییرات و ارائه آن ها به یک مدل هستی شناسی باید تعریف شود. طیفی از روش های متنوع در استخراج و مدل سازی دانش در متون مختلف قابل شناسایی است. اغلب در ساخت هستی شناسی ها از روش های نیمه خود کار استفاده می شود، اما مطالعاتی در زمینه خود کار سازی کامل این فرایند نیز در جریان است (ونگ، ۲۰۰۶) که لازم است در ساخت هستی شناسی های خود کار تغییرات هستی شناسی ها را در طول زمان مورد توجه قرار داد.

تغییرات در بازنمون را می توان در سطوح مختلف جزئیات نمایش داد، برای مثال به عنوان تغییرات ابتدایی و یا تغییرات پیچیده. استو جانویچ (۲۰۰۴) مجموعه ای از تغییرات هستی شناسی (تغییرات کوچکی) که در دوره تحول هستی شناسی ها رخ داده است را بیان کرده است و آن ها را جز تغییرات ابتدایی نامیده است، زیرا آن ها نمی توانند به تغییرات ساده تر تجزیه شود. او همچنین اشاره می کند که این سطح از ارائه تغییر همیشه مناسب نیست و در نتیجه نمی تواند مفهوم تغییرات مرکب را معرفی نماید. تغییر مرکب بخشی از تغییر هستی شناسی است که (ایجاد، حذف و یا تغییرات در هستی شناسی ها) را بهبود می بخشد علاوه بر این، یک تغییر پیچیده تغییری از هستی شناسی است که می تواند هر ترکیب را حداقل به دو تغییر ابتدایی یا مرکب در هستی شناسی تجزیه کند. کلین (۲۰۰۴) مجموع هایی از اصطلاحات گسترده از عملیات تغییر را در دو بعد معرفی کرده است: اتمی در مقابل مرکب و ساده در مقابل غنی است. تغییرات اتمی تغییراتی که نمی توانند به

عملیات کوچک تر تقسیم شوند. در حالی که؛ تغییرات مرکب ارائه یک مکانیسم برای گروه‌بندی تغییرات در یک نهاد منطقی را تشکیل می‌دهند؛ تغییرات ساده فقط در شناسایی، تجزیه و تحلیل ساختار هستی‌شناسی استفاده می‌شود. در حالی که برای شناسایی تغییرات غنی برای شناسایی آن‌ها نیاز به پرس و جو از نظریه منطقی هستی‌شناسی‌ها است.

معناشناسی تغییر: دو روش برای تحقق تغییرات معناشناسی به نام‌های رویه و اعلانی وجود دارند. رویکرد رویه: این روش بر محدودیت‌ها استوار است و بر اساس تعریف ثبات یک طرح و قوانین قطعی که باید به دنبال هر تغییر باشد تعریف می‌شود. رویکرد اعلانی: این روش بر صدا و مجموعه‌ای از بدیهیات استوار است (ارائه شده با یک مکانیزم استنتاج) که به پویایی تکامل رسمیت می‌بخشد (فرانکنی^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). هدف از این عمل تعیین مجموعه‌ای از بدیهیات به منظور به دست آوردن یک هستی‌شناسی منطقی و سازگار با حداقل تأثیر^۲ بر هستی‌شناسی موجود است. بدیهی است، تعریف حداقل تأثیر احتمالاً به نیاز خاص کاربر بستگی دارد. یک تعریف بسیار ساده می‌تواند شامل تعداد بدیهیات حذف شده و به حداقل رسیده باشد.

گسترش و اشاعه تغییرات: هستی‌شناسی‌ها اغلب برای استفاده مجدد از هستی‌شناسی‌های دیگر گسترش می‌یابد؛ بنابراین، به روزرسانی هستی‌شناسی ممکن است به طور بالقوه باعث فرسایش در هستی‌شناسی‌های اصلاح شده گردد؛ که آن نیز به نحوه جاگذاری، یکپارچه‌سازی و نقشه‌برداری از مفاهیم بستگی دارد. میچ^۳ و همکارانش (۲۰۰۳) یک رویکرد برای تکامل هستی‌شناسی‌ها و اشاعه تغییرات ارائه داده‌اند که شامل تغییرات وابسته و گسترده است.

پیاده‌سازی تغییرات: فرایند پیاده‌سازی و اجرای تغییرات شامل: اطلاع یک مهندس هستی‌شناسی در مورد تمامی نتایج ناشی از درخواست تغییر؛ اعمال تمامی تغییرات (موردنیاز و مشتق شده)؛ و پیگیری تغییرات انجام شده است؛ آگاهی تغییرات به منظور جلوگیری از انجام تغییرات نامطلوب، یک لیست از تمام مفاهیم برای هستی‌شناسی باید

1. Franconi

۲. رویکرد حداقل تأثیر تلاش می‌کند تا ترجمه و بومی‌سازی تناقضات را با حداقل ناسازگاری در هستی‌شناسی‌ها، تعیین کند این مجموعه به طور قابل توجهی کوچک‌تر از کل هستی‌شناسی است و کمک می‌کند که کاربر آسان‌تر تصمیم بگیرد و به حل ناسازگاری بپردازد.

3. Maedche

تولید کرد و به مهندس هستی شناسی ارائه شود، البته مهندس پس از آن باید قادر به پذیرش یا لغو این تغییرات باشد؛ پیاده سازی تغییرات به منظور تغییرات کاربردی باید ویژگی زیر را مدنظر قرار دهد: خواص اتمی؛ ثبات؛ جداسازی؛ دوام و پایداری؛ (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶). راه های مختلفی برای اجرا و پیاده سازی تغییرات وجود دارد.

اعتبار سنجی: شرایطی که در آن تعداد زیادی از شرایط مطلوب به معکوس تبدیل می شود؛ که تکامل هستی شناسی را تحت تأثیر قرار می دهد به عنوان مثال: مهندس هستی شناسی ممکن است قادر به درک اثر واقعی تغییر نباشد یک تغییر را که نباید انجام شود تصویب کند؛ ممکن است آن تغییر در مفاهیم هستی شناسی فقط برای اهداف آزمایشگاهی مناسب باشد؛ مهندسين هستی شناسی ممکن است ایده های مختلفی در مورد چگونگی تغییر مفاهیم در هستی شناسی داشته باشند (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶). همه این موارد وظیفه تغییر در اعتبار سنجی است که باید تمامی این شرایط را مدنظر قرار دهد. اعتبار سنجی به راحتی تغییرات را توجیه می کند در نتیجه توانایی هستی شناسی را بالا می برد. معماری منطقی. توجه به یک معماری منطقی برای حمایت از تکامل هستی شناسی امری است که در ارائه تغییرات در هستی شناسی ها باید مورد توجه قرار گیرد. به طور مثال می توان این معماری منطقی را در یک کتابخانه دیجیتال ارائه داد. معماری منطقی در یک کتابخانه دیجیتال شامل: یک کاربر با رابط کاربری است که برای دسترسی به محتوای کتابخانه دیجیتال که شامل چندین پایگاه داده و یا سند است که با استفاده از هستی شناسی سازمان یافته اند، تعامل برقرار می کند. در ادامه به بررسی هریک از اجزای این معماری منطقی خواهیم پرداخت. کاربر: مصرف کننده دانش از کتابخانه های دیجیتال است. همچنین تولید کننده محتوایی کتابخانه دیجیتال را نیز شامل می شود. رابط کاربری: دروازه اختصاصی مبتنی بر وب است که به روی اطلاعات و دانش در پردازش شبکه ای گشوده می شود. پورتال سعی می کند تا سرریز اطلاعات را از طریق محیط مبتنی بر شبکه داخلی مرتب نموده و با استفاده از تکنیک های پیشرفته جستجو و نمایه نویسی به اطلاعات مربوطه از سیستم های مختلف فناوری اطلاعات و اینترنت دسترسی داشته و آن ها را جستجو کند. درگاه صفحه ای است که از طریق آن می توانیم تمام کارهای مربوط به خود را در وب انجام دهیم. عموماً پورتال ها به عنوان درگاه های اطلاعاتی شناخته می شوند (بصیری، ۱۳۹۲).

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که با استفاده از پورتال می توان به یکپارچه سازی سیستم ها کمک کرده و کاربران را برای استفاده از خدمات موجود یاری داد. طوری که کاربر می تواند در مطالب کتابخانه جستجو کند و به ارائه مطالب در یک روش سازمان یافته دست یابد. پایگاه داده: پایگاه داده شامل مجموعه ای از اسناد و مدارک می باشند. در زمینه کتابخانه دیجیتال، این پایگاه ها مجموعه ای از پیشینه ها هستند که شامل متن اسناد است، اما ممکن است شامل محتوای چند رسانه ای مانند صدا، ویدئو و تصاویر نیز باشد. دامنه وسیعی از انواع مختلف آن ها از طریق اینترنت قابل دسترس است (کوک، ۱۳۸۲). ولی در هر صورت عنصر اولیه و مهم در این پایگاه ها محتوا و منابع اطلاعاتی آن است (علیپور حافظی، ۱۳۹۰). در حالی که ما سند را به عنوان یک واحد منطقی می شناسیم، ممکن است سند از تعدادی زیاد از منابع توزیع شده باشد. محتوای سند پایه به طور معمول ایستا است، اما همیشه در حال تغییر است زیرا اسناد پایه جدید وارد می شوند در حالی که اسنادی ممکن است حذف شوند (دیویس، ۲۰۰۶).

کتابخانه دیجیتال معنایی: کتابخانه دیجیتال، مجموعه ای یکپارچه از منابع و خدمات الکترونیکی برای گردآوری، سازمان دهی، حفاظت و بازیابی اطلاعات به شکل دیجیتال است. ظهور وب معنایی و هستی شناسی در عصر حاضر، سبب ایجاد تحول در کتابخانه های دیجیتال و طراحی کتابخانه های دیجیتال معنایی شده است. هستی شناسی، بازنمونی صریح، دقیق و گویا از نمونه ها، مفاهیم و روابط در یک حوزه موضوعی است که با توجه به ویژگی هایی همچون قابلیت استنتاج، ایجاد ارتباط و میان کنش پذیری بین سامانه های اطلاعاتی، حمایت از پردازش زبان طبیعی، فهم پرسش جستجو و... می تواند برای تبدیل کتابخانه های دیجیتال به سامانه های اطلاعاتی هوشمند و در نتیجه طراحی کتابخانه های دیجیتال معنایی، مورد استفاده قرار گیرد. ایجاد قابلیت های گوناگون در معماری کتابخانه های دیجیتال به ویژه قابلیت استدلال، امکان تبادل اطلاعات میان کتابخانه های دیجیتال و سایر سامانه های اطلاعاتی، توصیف معنایی منابع موجود در کتابخانه های دیجیتال از طریق ادغام فراداده های کتابشناختی قالب مارک در هستی شناسی ارتقای سیستم پرسش و پاسخ در کتابخانه های دیجیتال ایجاد محیط رابط کاربر پسند و امکان مرور و جستجوی آسان و سریع مدارک، برخی از کاربردهای هستی شناسی در کتابخانه های دیجیتال هستند (فتحیان، ۱۳۹۱). در نتیجه با توجه به ویژگی ها و قابلیت های ذکر شده،

هستی شناسی ها می توانند برای تبدیل کتابخانه های دیجیتال به سامانه های اطلاعاتی هوشمند و در نتیجه طراحی کتابخانه های دیجیتال معنایی، مورد استفاده قرار گیرد.

مقدار استفاده کاربر از داده: باید خاطر نشان ساخت که قابلیت ورود داده ها (میزان استفاده کاربران در هنگام ورود ثبت می شود) از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا در این صورت محتوای اصطلاح نامه به نرم افزار و یا برنامه کاربردی اولیه که برای آن طراحی شده است محدود نخواهد بود (موسسه استاندارد بریتانیا، ۱۳۹۱).

مدیریت فرایند تغییر: روند تکامل هستی شناسی ها توسط زیرساخت های مدیریت تحول پشتیبانی می شود. شعبان نژاد^۱ و هارسلو^۲ (۲۰۱۵) در بررسی خود به آشکارسازی و طبقه بندی برخی از تغییرات رایج در تعدادی از هستی شناسی پزشکی محبوب پرداختند. یافته های آن ها حاکی از آن است که با استفاده از نظریه رده و نمودار سلسله مراتبی می توان به مدیریت فرایند تغییر در هستی شناسی ها پرداخت. به طوری که می توان دانشی که واضح نیست ولی مورد نیاز کاربران نهایی است را فراهم آورد. همچنین می توان رفتار کاربر نهایی را که منجر به دستیابی به اطلاعات مورد علاقه و یا غیر مورد علاقه او می شود را تجزیه و تحلیل کرد (شعبان نژاد و هارسلو، ۲۰۱۵).

تغییرات هستی شناسی داده محور: از آنجا که بسیاری از مجموعه داده ها در دنیای واقعی تمایل بسیاری به پویایی و تغییر دارند، در نتیجه هستی شناسی ها در سیستم های مدیریت باید برای مقابله با تناقضات بین مدل دانش هستی شناسی و دانش ارائه شده توسط داده ها (در دنیای واقعی) پردازند. اهداف یافتن تغییرات داده محور این مشکل را هدف قرار می دهد: به وسیله ارائه روشی برای انطباق اتوماتیک یا نیمه اتوماتیک از هستی شناسی با توجه به تغییرات مجموعه ای از داده ها (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه احتمالاً، با وجود یک موتور جستجوگر پیشرفته معناشناختی پیچیده، کاربر راه های مختلفی برای مشخص کردن معنای آن چیزی که او دقیقاً می خواهد پیدا خواهد کرد؛ اما در اینجا سؤالی مطرح می شود که چگونه می توانیم مطمئن شویم که تمام هستی شناسی و ابر داده ها همیشه با اسناد پایه به روز تشکیل شده اند که لازم است چنین سؤالاتی پاسخ داده شوند.

یک احتمال این امر می‌تواند باشد که یک مهندسی مجدد از هستی‌شناسی‌ها ارائه دهیم (با هر بار تغییر در سند پایه)؛ که البته، ساخت یک هستی‌شناسی برای مقدار زیادی از داده‌ها دشوار و زمان‌بر است حتی اگر آن را توسط ابزارهای اتوماتیک یا نیمه اتوماتیک پشتیبانی و استخراج گزیده وار انجام داد. یک راه بسیار کارآمدتر انطباق هستی‌شناسی با توجه به تغییرات است؛ که به شناسایی هر تغییر در مفاهیم و روابط در هستی‌شناسی پرداخته می‌شود؛ بنابراین، یافتن تغییرات داده محور با هدف ارائه روشی برای انطباق اتوماتیک یا نیمه اتوماتیک از یک هستی‌شناسی، به‌عنوان زمینه‌ای برای تغییر داده است (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶).

تغییرات هستی‌شناسی استفاده محور: چگونه اطلاعات در مورد میزان استفاده از هستی‌شناسی را می‌توان تجزیه و تحلیل کرد و در توصیه تغییرات به هستی‌شناسی مورد استفاده قرار داد؟ تجزیه و تحلیل میزان استفاده که منجر به توصیه تغییرات می‌شود یک فعالیت بسیار پیچیده است. اول اینکه، پیدا کردن الگوهای استفاده معنی دار دشوار است. به عنوان مثال، یک برنامه کاربردی کشف می‌کند که بسیاری از کاربران علاقه مند به این پروژه صنعتی از موضوع‌های پژوهش هستند؟ دوم اینکه، زمانی که یک الگوی استفاده معنی دار پیدا شد، موضوع چگونگی ترجمه آن به یک تغییر است که منجر به بهبود کاربرد می‌شود (دیویس و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه شاید بتوان گفت نقطه مرکزی این روش (تغییرات استفاده محور) انطباق مستمر هستی‌شناسی با نیازهای کاربران است.

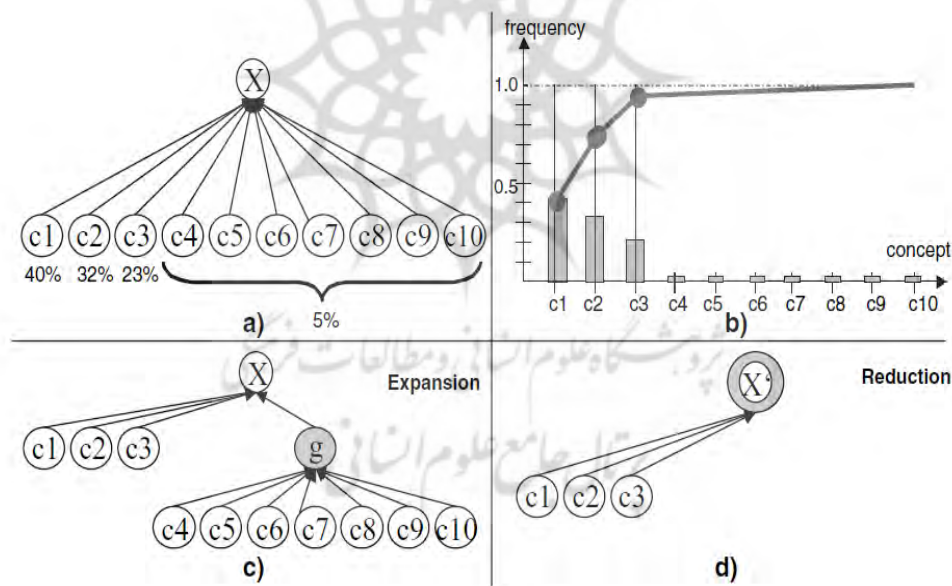
استفاده از سلسله‌مراتب. تعریف مفاهیم و سلسله‌مراتب مفاهیم و تعریف ویژگی‌های مفاهیم، بسیار پیچیده است و ایجاد تمایز میان آن‌ها بسیار دشوار است. معمولاً کار با ایجاد تعریف برای تعدادی محدود از مفاهیم در سلسله‌مراتب آغاز می‌شود و سپس با توصیف ویژگی‌های آن‌ها ادامه می‌یابد. آشولد و گرونینگر (۱۹۹۶) درباره توسعه سلسله‌مراتب‌ها، روش‌های متفاوتی را مطرح کردند:

روش بالا به پایین: روش توسعه بالا به پایین با تعریف‌های مفاهیم عام در دامنه آغاز می‌شود. سپس فرایند توسعه با ایجاد رده‌های فرعی خاص تر از این مفاهیم، ادامه می‌یابد. روش پایین به بالا: این روش با تعریف مفاهیم بسیار خاص آغاز می‌شود. سپس فرایند توسعه با گروه‌بندی در قالب مفاهیم عام تر، ادامه می‌یابد. روش ترکیبی: این روش، ترکیبی از روش‌های بالا به پایین و پایین به بالا است. در این روش، ابتدا مفاهیم برجسته و مهم

تعریف می شوند. سپس با عمومی سازی (ترکیب) یا خصوصی سازی (تجزیه) این مفاهیم، فرایند توسعه ادامه می یابد.

در نتیجه استفاده از سلسله مراتب کمک به یک مهندس هستی شناسی در انجام تغییرات و بهبود مستمر هستی شناسی است. از دیگر سو، تغییر که باعث بهبود قابلیت استفاده از هستی شناسی می شود؛ خود سبب ایجاد مجموعه ای از تغییرات در هستی شناسی نیز می گردد. یکی از مشکلات مهم ما در زمان حال، توسعه یک هستی شناسی و ایجاد یک سلسله مراتب مفاهیم است که وابسته به نیاز کاربران، باشد. علاوه بر این، نیاز کاربران می تواند در طول زمان تغییر کند و سلسله مراتب باید بازتاب چنین تغییراتی نیز باشد (دیویس، ۲۰۰۶).

استفاده از سلسله مراتب بهترین راه تخمین نیازهای کاربران است. این تخمین نیاز کاربران با در نظر گرفتن یک مثال از استوجانویچ و همکارانش (۲۰۰۳) در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مثالی غیریکنواخت در کاربرد مفهوم (برگرفته شده از استوجانویچ و همکارانش، ۲۰۰۳).

در شکل ۲ فرض شده است که در سلسله مراتب اولیه، مفهوم X دارای ده زیر مفهوم است. همچنین فرض شده است که این ده مفهوم با نیاز کاربران در بهترین حالت مطابقت

دارند. با این حال استفاده از این سلسله مراتب در طول یک مدت زمان طولانی نشان می‌دهد که حدود ۹۵ درصد از کاربران علاقه‌مند به تنها سه زیر مفهوم از این ده مفهوم هستند. این بدان معنی است که ۹۵ درصد از کاربران، پیدا کردن ۷۰ درصد از مفاهیم را مرتبط می‌دانند. در نتیجه، این ۹۵ درصد از کاربران زمان بیشتری را در انجام یک کار که بیشتر از نیاز خود بود، انجام داده‌اند. در نتیجه بر روی اطلاعات بی‌ربط توجه بیشتری انجام می‌دهند. علاوه بر این، شانس بیشتری برای خطای تصادفی وجود دارد (مثلاً یک کلیک تصادفی بر روی لینک اشتباه) و این احتمال (خطای تصادفی) از احتمال انتخاب اطلاعات بی‌ربط بزرگ‌تر است. به منظور ایجاد یک سلسله مراتب مناسب‌تر و توجه به نیازهای کاربران، دو راه برای بازنگری از سلسله مراتب اولیه مفید خواهد بود: توسعه: حرکت به سوی تمامی هفت مفهوم، بی‌ربط، به سمت پایین در سلسله مراتب با گروه‌بندی آن‌ها تحت یک زیر مفهوم جدید مثلاً G (نگاه کنید به شکل ۲ (C)). کاهش: تمامی هفت مفهوم بی‌ربط را حذف کنید، در حالی که در توزیع مجدد نمونه‌های آن را در زیر مفهوم اصلی باقی بگذارید (شکل ۲ (D)).

از طریق این گسترش، نیازهای ۵ درصد از کاربران حفظ می‌شود و مفاهیم تازه معرفی می‌شوند و باقی مانده (۹۵ درصد) کاربران از ساختار جمع و جورتری بهره‌مند می‌شوند. کاهش ساختار جدید به طور کامل به نیازهای ۹۵ درصد از کاربران مرتبط است. علاوه بر این، قابلیت استفاده از هستی‌شناسی را نیز افزایش داده است، زیرا موارد بی‌ربط اکنون قابل مشاهده برای ۹۵٪ از کاربران است. در نتیجه، کاربران احتمالاً آن مفهوم را مفید بیابند در حالی که در طبقه‌بندی اولیه آن را به عنوان مفهومی بی‌ربط پیش‌بینی کرده بودند. توجه داشته باشید که نمودار ستونی نشان داده شده در شکل ۲ (ب) ما را قادر می‌سازد تا مجموعه‌هایی از زیر مفهوم‌های حداقل که نیاز کاربران را ارائه می‌دهد به صورت خودکار کشف کنیم. اگرچه روش‌هایی برای سلسله مراتب به صورت خودکار وجود دارد. یک سلسله مراتب دستی، به منظور اطمینان از قابلیت استفاده آن است. ملاک اصلی انسجام سلسله مراتب، این امر را که سلسله مراتب متناسب با نیازهای کاربر در نظر گرفته شده است را تضمین می‌کند. باید خاطر نشان ساخت که اختصاص توصیف‌گرهایی با قطعیت ربط بیشتر هنگام سازمان‌دهی و امکان تعریف درخواست جستجوی اطلاعات با استفاده از خصیصه‌ها، سطح اثربخشی نظام بازیابی اطلاعات را از دید کاربر افزایش خواهد داد.

همچنین، وارد ساختن خصیصه به ساختار مفاهیم معنایی در اصطلاح نامه، آن را به سطح مدل مفهومی در سلسله مراتب هستی شناسی نزدیک خواهد کرد (زندى روان، ۱۳۸۷). همچنین در شکل گیری نظام مفاهیم در هستی شناسی ها درخت سلسله مراتب واژگان اصطلاح نامه به درخت سلسله مراتب مفاهیم تبدیل می شود که در آن هر مفهوم به مدخل واژگانی اصطلاح نامه برمی گردد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲). در نتیجه باید به رابطه سلسله مراتبی در تبدیل اصطلاح نامه ها به هستی شناسی ها توجه کرد.

با نگاهی کلی به یافته ها و مطالب ارائه شده در این پژوهش و با توجه به تغییرات گسترده و دائمی علوم و دانش موجود در آن ها می توان گفت که لازم است که این هستی شناسی های طراحی شده فارغ از نوع طراحی آن ها مورد بررسی و تغییر قرار گیرند. در نتیجه تغییرات در مفاهیم و تکامل هستی شناسی ها، چالش ها و فرایندهای متنوعی قرار دارد که لازم است توسط متخصصین علم اطلاعات مورد توجه قرار گیرند. در این پژوهش نگاهی کلی به این چالش ها و فرایندها در مسیر تکامل هستی شناسی ها شده است که می توان در کنار شش مرحله استوجانویچ (۲۰۰۲) مورد توجه قرار گیرد. این چالش ها و فرایندها عبارت اند از: تعیین علایق کاربران؛ انتخاب مناسب ترین ابزار ویرایشگر در زمان طراحی هستی شناسی ها که خود اهمیت مرحله طراحی هستی شناسی را نمایان می سازد؛ تجزیه و تحلیل رفتار اطلاع یابی کاربران؛ شناسایی انواع تغییرات با توجه به نیاز کاربران؛ و توجه به سلسله مراتب در تبدیل اصطلاح نامه به هستی شناسی ها.

همچنین با توجه به موارد ذکر شده در این پژوهش، ضروری است تا در کنار متخصصین علم اطلاعات، مهندسین هستی شناسی نیز به اهمیت تغییرات مفاهیم واقف بوده و در توسعه و طراحی هستی شناسی ها در جهت کارآمدی آن ها در مقابله با تغییرات نکات زیر را در نظر گیرند:

- شخصی سازی دانش در طراحی هستی شناسی ها؛
- ایجاد سلسله مراتب در توسعه هستی شناسی ها؛
- انطباق خود کار و نیمه خود کار هستی شناسی ها با توجه به تغییرات داده ها و مفاهیم؛
- حل ناسازگاری ها برای تصمیم گیری بهتر کاربران (استفاده از رویکرد حداقل تأثیر) و
- اختصاص توصیفگرها با قطعیت ربط بیشتر.

بحث و نتیجه گیری

کارآمدی هستی‌شناسی در بازنمون دانش، بیشتر از کارآمدی اصطلاح‌نامه است. هرچند اصطلاح‌نامه‌ها ابزارهایی معنایی هستند که تاکنون در ارائه مفهوم‌های قلمروهای موضوعی و نیز در جستجو و بازیابی اطلاعات توسط کاربران مورداستفاده قرار گرفته‌اند، ولی با توسعه این ابزارها و گسترش مفهوم‌ها و رابطه‌های موجود، بین آن‌ها می‌توان ابزارهای دقیق‌تر و معنایی‌تر مانند هستی‌شناسی‌ها را طراحی نمود. این کار زمینه لازم برای بهبود وضعیت بازنمون دانش در اصطلاح‌نامه‌ها را فراهم خواهد کرد (صنعت جو و فتحیان، ۱۳۹۰). هستی‌شناسی‌ها به‌طور گسترده در مهندسی دانش، هوش مصنوعی، مدیریت دانش، پردازش زبان طبیعی، بازیابی اطلاعات و غیره کاربرد دارند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲). باید توجه داشت که حرکت به سمت خودکارسازی اکتساب دانش از روی منابع، متون، پایگاه‌های داده و هستی‌شناسی‌های دیگر، مشکلات مهندسی هستی‌شناسی را محدود و هزینه ساخت و استفاده اشتراکی از هستی‌شناسی‌ها را کاهش می‌دهد؛ اما در روش‌های خودکار نیز نظارت عامل انسانی همچنان امری ضروری است. استفاده از ابزارهای مهندسی هستی‌شناسی که فقط به‌صورت ابزاری برای طراحی هستی‌شناسی عمل می‌کنند، نیاز به سازنده و ویراستار انسانی را منتفی نمی‌کند. بلکه این ابزارها فقط محیط را برای وی مهیا می‌سازند؛ بنابراین ویراستاران انسانی همچنان نقشی اساسی در طراحی هستی‌شناسی ایفا می‌کند (شمس فرد و عبدالله‌زاده بارفروش، ۱۳۸۱). آنچه باید در خودکارسازی توسط مهندسین موردتوجه قرار گیرد، اهمیت تغییرات مفاهیم و دگرگونی آن‌ها در طول زمان است؛ چه هستی‌شناسی به‌صورت دستی ایجاد شده باشد چه به‌صورت خودکار؛ زیرا از تحولات اطلاعات به‌عنوان نتیجه تحولات هستی‌شناس‌ها نام برده شده است (گالانوس^۱، ۲۰۱۴). تغییرات در مفاهیم اجتناب‌ناپذیر است و این تغییرات تأثیر بسیار زیادی بر هستی‌شناسی‌ها دارد که در زمان اجرای این تغییرات در هستی‌شناسی‌ها، مشکلات بسیاری آشکار می‌گردد (حتی اگر تغییرات کم باشند). تغییرات کوچک در هستی‌شناسی‌ها سبب تغییرات وسیع در آن‌ها که سبب ناهماهنگی نیز می‌باشند، می‌شوند (مهفود^۲ و همکارانش، ۲۰۱۵). همچنین بسیاری از روش‌های فعلی بر تغییرات در ساختار داخلی از هستی‌شناسی

متمرکز شده است و تعامل با دیگر هستی‌شناسی‌های موجود به‌طور گسترده‌ای نادیده گرفته شده است (شعبان نژاد و هاسلیو، ۲۰۱۵).

با توجه به اینکه موضوع تکامل هستی‌شناسی و مدیریت تغییر با ابزار و الگوریتم‌های موجود کمتر مورد خطاب قرار گرفته است. در این پژوهش به نحوه بازننگری و سازگاری هستی‌شناسی‌ها با تغییرات مفاهیم و معناها در دانش موجود پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده است که هستی‌شناسی‌ها برای مؤثر بودن نیاز به تغییرات، با سرعتی متناسب با تغییر در بخش‌هایی از جهان که هستی‌شناسی‌ها آن را توضیح می‌دهند، دارند. تلاش کم کاربران انسانی نظام‌ها، مانند کتابخانه‌های دیجیتال و پشتیبانی خودکار برای مدیریت تغییرات هستی‌شناسی بسیار مهم است. برای این منظور نیاز است تا شش مرحله ممکن از فرآیند تکامل هستی‌شناسی (دریافت تغییرات؛ ارائه و بازنمون تغییرات؛ معناشناسی تغییرات؛ گسترش و اشاعه تغییرات؛ اجرای تغییرات و تغییر در ارزش‌ها) در تکامل هستی‌شناسی‌ها با توجه به معماری منطقی ارائه شده مدنظر قرار گیرد. همچنین از آنجایی که پشتیبانی خودکار برای مدیریت تغییرات هستی‌شناسی بسیار مهم است، ضروری است که در طراحی هستی‌شناسی‌ها به‌سوی سیستم‌های خودکار و نیمه‌خودکار حرکت کنیم و از طرفی دیگر ایجاد سلسله‌مراتب در طراحی هستی‌شناسی‌ها توسط مهندسين این حوزه مورد توجه قرار گیرند. در اثر عدم توجه به این موارد، با توجه به رشد روزافزون حجم داده‌ها و اطلاعات، روبه‌رو شدن با هستی‌شناسی‌های غیر کارآمد و هدر رفتن هزینه‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش ضروری است که در زمان تغییر یک هستی‌شناسی، ایجاد سلسله‌مراتب مفاهیم وابسته و نیازهای کاربران، مورد توجه قرار گیرند؛ که خود نیازمند در نظر گرفتن نیاز کاربران در هر مرحله از تغییرات (شش مرحله) در هستی‌شناسی‌ها است. لازم به ذکر است که نیاز کاربران به‌وسیله مدیریت فرایند و بررسی میزان ورود کاربران به سیستم قابل پیگیری است. در نتیجه امید است که نتایج و یافته‌های این تحقیق در زمان اجرای تغییرات در هستی‌شناسی‌ها در هر سطحی از هستی‌شناسی‌ها (سطح صوری یا ارجاعی، سطح معناشناختی یا تعبیری و سطح کاربردی یا رایانه‌ای) مورد توجه قرار گیرند.

مطالعه در زمینه بررسی تغییر در مفاهیم دانش و تأثیر آن بر تکامل هستی‌شناسی‌ها، ایجاد سلسله‌مراتب مفاهیم، بررسی موضوع تکامل هستی‌شناسی‌ها و تأثیر آن بر روی طراحی نرم‌افزارهای خودکار و نیمه‌خودکار و مقایسه و ارزیابی نحوه تغییرات هستی‌شناسی‌ها در نظام‌های دستی و خودکار از ضروریاتی هستند که جا دارد در مطالعات آینده، بیشتر به آن‌ها پرداخته شود.

منابع

- المرشد، احسان؛ سینگ، رامانجیت. (۱۳۹۱). ارزیابی و رتبه‌بندی ابزارهای ساخت هستی‌شناسی. ترجمه اکرم فتحیان. کتاب ماه کلیات، ۱۶(۲) ۴۸-۵۵.
- بصیری، امیرحسین. (۱۳۹۲). پرتال چیست؟ مجله خبری تحلیلی فناوری آی. تی. نما. بازیابی شده در ۹/۲/۹۵ از <http://ityab.com/fa/page?id>
- حسینی بهشتی، ملوک السادات. (۱۳۹۲). ساختواره، اصطلاح‌شناسی و مهندسی دانش. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری ایران: چاپار.
- داورپناه، محمدحسین. (۱۳۸۴). ضرورت‌های نوین بازنگری در ذخیره و بازیابی اطلاعات. کتابداری و اطلاع‌رسانی، (۳۱)، ۶۷ - ۸۸.
- زندى روان، نرگس. (۱۳۸۷). فضای سه‌بعدی اطلاعات و ضرورت بهینه‌سازی ساختار اصطلاح‌نامه‌ها از طریق افزودن خصیصه‌های معنایی به آن‌ها. کتابداری و اطلاع‌رسانی، (۴) ۱۱، ۶۵ - ۹۰.
- شمس فرد، مهرنوش؛ عبدالله زاده بارفروش، احمد. (۱۳۸۱). استخراج دانش مفهومی از متن با استفاده از الگوهای زبانی و معنایی. تازه‌های علوم شناختی، ۴(۱)، ۴۸ - ۶۶.
- صنعت جو، اعظم. (۱۳۸۴). ضرورت بازنگری در ساختار اصطلاح‌نامه‌ها: بررسی عدم کارایی اصطلاح‌نامه‌ها در محیط اطلاعاتی جدید و قابلیت‌های هستی‌شناسی در مقایسه با آن. مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۱۶(۴)، ۷۹ - ۹۲.
- صنعت جو، اعظم و فتحیان، اکرم. (۱۳۹۰). مقایسه کارآمدی اصطلاح‌نامه و هستی‌شناسی در بازنمون دانش (طراحی و ساخت نمونه هستی‌شناسی اصفاء). پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، (۱) ۱، ۲۱۹ - ۲۴۰.
- علیپور حافظی، مهدی. (۱۳۹۰). کتابخانه دیجیتال: مبادله اطلاعات. تهران: سمت.

فتحیان، اکرم. (۱۳۹۱). نگاهی نو به طراحی کتابخانه‌های دیجیتال: کاربرد هستی‌شناسی در طراحی کتابخانه‌های دیجیتال معنایی. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۵(۴)، ۱۱۹-۱۳۹.

کوک، آلیسون. (۱۳۸۲). راهنمای یافتن اطلاعات با کیفیت در اینترنت. خادامیان، مهدی؛ مترجم. مشهد: انتشارات کتابخانه‌ای.

موسسه استاندارد بریتانیا (۱۳۹۱). استاندارد بین‌المللی ISO 25964-1 اطلاعات و مستندسازی، اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر. دهسرای،

زهرا؛ مترجم. تهران: انتشارات چاپار، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.

Akgo'bek, O., Aydin, Y. S., O. ztemel, E. & Aksoy, M. S. (2008). Knowledge-Based Systems, 19: 388-395. Retrieved Jan, 20, 2008, From ScienceDirect Database

Brank, J., Grobelnic, M., & Mladenic, D. (2005). A survey of ontology evaluation techniques. In *Proceedings of the Conference on Data Mining and Data Warehouses (SiKDD 2005)*. 17 October, Ljubljana, Slovenia.

Davies, J., Studer, R., & Warren, P. (2006). *Semantic Web Technologies Trends and Research in Ontology-based Systems*. John Wiley & Sons Ltd, England.

Ding, Y. & Foo, S. (2002). Ontology research and development part 1 – A review of ontology generation. *Journal of Information Science*, 28 (2), 123-136.

Galanos, V. (2014). *Beyond Information Revolution: Postlude to a Past Future*. Dissertation, Royal School of Library and Information Science: Denmark.

Hess, C. & Schlieder, C. (2006). Ontology-based verification of core model conformity in conceptual modeling. *Computers, Environment and Urban Systems*, 30: 543- 561. Retrieved May, 5, 2016., From Elsevier Database.

Franconi, E., Grandi, F. & Mandreoli, F. (2000). A semantic approach for schema evolution and versioning in object-oriented databases. In *Proceedings of the First International Conference on Computational Logic*, Springer, 1048-1062.

Klein, M. (2004). *Change Management for Distributed Ontologies*, PhD thesis, Vrije Universiteit Amsterdam.

Maedche, A., Motik, B. & Stojanovic, L. (2003). Managing multiple and distributed ontologies in the Semantic Web. *VLDB Journal* 12(4):286-300.

Mahfoudh, M., Forestier, G., Thiry, L. & Hassenforder, M. (2015).

- Algebraic graph transformations for formalizing ontology changes and evolving ontologies. *Knowledge-Based Systems*, Elsevier 73:212-226. <10.1016/j.knsys.2014.10.007>.
- Mika, P. (2006). A Methodology for Distributed Knowledge Management Using Ontologies and Peer-to-Peer. In Staab, S, Stuckenschmidt, H. (Eds) *Semantic Web and Peer-to-Peer: Decentralized Management and Exchange of Knowledge and Information*. 283-302 Koblenz: Springer.
- Ochs, C., Perl, Y., Geller, J., Haendel, M., Brush, M., Arabandi, S. & Tu, S. (2015). Summarizing and visualizing structural changes during the evolution of biomedical ontologies using a Diff Abstraction Network. *J Biomed Inform.* 56:127-44.
- Shaban-Nejad, A. & Haarslev, V. (2015). Managing changes in distributed biomedical ontologies using hierarchical distributed graph transformation. *International Journal of Data Mining and Bioinformatics archive*; 11(1):53-58.
- Shamsfard, M., & Barforoush, A. A. (2002). An introduction to hasti: An ontology learning system, 6th *IASTED International Conference on Artificial Intelligence and Soft Computing*, (ASC, 2002), Banff, Canada.
- Stojanovic, L., Madche, A., Motik, B., & Stojanovic, N. (2002). User-driven ontology evolution management. In *Proceedings of the European Conference of Knowledge Engineering and Management (EKAW 2002)*, 2473 of LNCS/LNAI, Springer.
- Stojanovic, L., Maedche, A., Stojanovic, N. & Studer, R. (2003). Ontology evolution as reconfiguration-design problem solving. In *Proceedings of KCAP 2003*, ACM, 162-171.
- Stojanovic, L. (2004). *Methods and Tools for Ontology Evolution*. PhD thesis, University of Karlsruhe.
- Uschold, M. & Gruninger, M. (1996). Ontologies: principles, methods and applications. *Knowledge Engineering Review*, 11 (2), 93-155
- Weng, S. S., Tsai, H. J., Liu, S. C., & Hsu, C. H. (2006). Ontology construction for information classification. *Expert Systems with Applications*, 31(1), 1-12.